

روحِ شہزاد

درالہتماب عاشورا



نویسنده: مرحوم استاد علی ابوالحسنی (منذر)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

روح هند در التهاب عاشورا

نویسنده:

علی ابوالحسنی (مندر)

ناشر چاپی:

علی ابوالحسنی (مندر)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵ فهرست
۶ روح هند در التهاب عاشورا
۶ مشخصات کتاب
۶ اشاره:
۱۶ جلوه‌هایی دیگر از شرکت گسترده هندوها و اهل سنت در مراسم عزاداری سیدالشهداء(ع)
۱۸ عزاداری هندوها و اهل سنت:
۳۴ درباره مرکز

روح هند در التهاب عاشورا

مشخصات کتاب

سرشناسه : ابوالحسنی، علی، - ۱۳۳۴

نمایه سازی قبلی : نمایه سازی قبلی

عنوان و نام پدیدآور : روح هند در التهاب عاشورا / علی ابوالحسنی (منذر)

منشا مقاله : علی ابوالحسنی (منذر)

توصیفگر : عاشورا

اشاره:

حماسه سیدالشهداء (ع) در سرخ روز عاشورا آنچنان شوری به پا کرد که زمان ها و مکان ها را در نوردید و در افق فرهنگ ها و تمدن های رنگارنگ دنیا درخشید و بر آنان تاثیری خیره کننده گذاشت. نوشتار پیش رو در همین زمینه، به تاثیرات فزاینده عاشورا بر تمدن هندوستان، تفکر رهبران هند و گلوآژه ای از اشعار ادیبان و گفتار هنرمندان در این راستا می پردازد. خواننده این نوشتار با موضوعات جذابی چون عزاداری شورانگیز هندوها، اهل سنت، زردشتیان، عرض حاجت و نجوای هندیان با امام حسین (ع) آشنا می شود.

وقتی می بینیم هندوستانی که آکنده از مذاهب، فرقه ها و اقوام است در پرتو عزاداری اصیل و شعائر سنتی اینچنین در عزای عزیز زهرا (س) یکپارچه و متحد می شود، باید از خود پرسیم اگر عزاداری اصیل و سنتی آنگونه که هست در آب و خاک ما اجرا گردد، با فرهنگ و ملت ما چه خواهد کرد؟ باری، تعزیه داری حسین (ع) تفرقه ها و اختلافات را از بین می برد و تحرکات شیطانی دشمنان را نقش بر آب می سازد.

از این روست که هر ساله دشمنان، شعائر حسینی را با قلم های مسموم و بیانات شبهه انگیز در ماهواره ها و سایت ها، - در نقاب فریبنده مبارزه با تحریفات و خرافات - زیر سوال می برند و هر بار نوعی خاص از آن را محکوم می سازند. یادداشت حاضر در راستای آگاهی بخشی و تبیین شعائر عاشورا به قلم توانای مرحوم استاد علی ابوالحسنی (منذر) - که خود از احیاگران شعائر مذهب تشیع به شمار می رفت - به رشته تحریر درآمده و پس از رحلتشان منتشر می شود.

ص: ۱

روح هند در التهاب عاشورا عزاداری پرشور هندوها و اهل سنت همراه با شیعیان درسوگ سالار شهیدان (ع)

به قلم

استاد علی ابوالحسنی (مُنذر)

عشق و علاقه جمع بسیاری از هندوها به سالار شهیدان(ع)، اصولاً قصه ای مشهور و مشهود است که آثار بسیاری را در طول تاریخ - به صورت مستقیم و غیر مستقیم - بر ادب و فرهنگ شبه قاره بر جای نهاده است.

به عنوان یکی از آثار غیر مستقیم فرهنگ عاشورا بر ادب هندو، می توان از منظومه مشهور تولسیداس (شاعر و معلم نامدار هند در قرن ۱۶ و ۱۷ م) موسوم به رامایانا یا سرگذشت رامایاد کرد که آن را تقلیدی از کلام مرثیه سرایان لکهنو در سوگ ائمه شیعه شمرده اند. و اما آثار مستقیم آن:

سخن گاندی، مبنی بر اینکه تز مقاومت منفی خویش را از حسین بن علی (ع) آموخته و هند برای آزادی خویش از یوغ استعمار، راهی جز متابعت از شهیدان کربلا ندارد، معروف است. چنانکه همو، ضمن گفتاری در باب اسلام و پیامبر(ص) می نویسد:

« حضرت محمد (ص) پیامبری بزرگ و مردی شجاع بود و از کسی جز خدا نمی ترسید. هرگز دیده نشد که چیزی بگوید و عملی غیر از آن به جای آورد و عمل وی، با احساسش برابر بود. حضرت پیغمبر (ص) ثروت را اختیار نکرد، با اینکه اگر می خواست می توانست». و در ادامه اوج درد و دریغ خویش را اینگونه ابراز می دارد: «هنگامی که من خواندم که خود و خاندانش چه محرومیتهایی را، به طور اختیار، تحمل کردند، اشکها ریختم...» (۱).

ص: ۲

۱- ر.ک، سالنامه نور دانش، سال ۱۳۴۱ شمسی، صص ۱۸۹-۱۹۰؛ ممتاز احمد پاکستانی: داستانهایی از زندگی محمد (ص)، ترجمه سید غلامرضا سعیدی، ص ۱۵۳؛ پروفیسور نصرالله نیک بین: اسلام از دیدگاه دانشمندان غرب، همان: صص ۶۰-۶۱.

گاندی، در اثر مطالعات نسبتاً وسیع اسلامی خویش، کما بیش با تاریخ سرخ و خونین تشیع و تعالیم ائمه بزرگوار آن اجمالاً آشنا بود، و این سخن بسیار مهم و قابل دقت او، شهرتی بسزا دارد که می گفت:

من برای مردم هند چیز تازه ای نیاورده ام؛ فقط نتیجه ای را که از مطالعات و تحقیقاتم درباره تاریخ زندگی قهرمانان کربلا به دست آورده ام ارمغان ملت هند کردم. اگر بخواهیم هند را نجات دهیم، واجب است همان راهی را بپیماییم که حسین بن علی پیمود. (۱)

پژوهندگان تاریخ و فرهنگ هند به راستی معتقدند: «تعزیه داری در هند، تأثیر بس مهمی در پیدایش یکپارچگی ملی و حس هموعی داشته است».

نویسنده و محقق معاصر، آقای سید حسین علی جعفری، تحت عنوان «تعزیه داری در هند»، به گوشه هایی از همدلی و همنوایی هندوها در سوگواری بر سالار شهیدان (ع) اشاره کرده اند که گزیده ای از آن را ذیلا می آوریم:

در هندوستان، مرکز اصلی عزاداری لکهنو است. این مراسم در دوران حکومت شاهان [شیعی] اوده ریشه گرفت، در این دوره علاوه بر امام باره ها (عزاخانه) سه امام باره بزرگ «آصف الدوله»، «حسین آباد» و «شاه نجف» به دست پادشاه اوده ساخته شد. کربلای تالکاتورن و درگاه کاظمین نیز از امام باره های تاریخی به شمار می آیند...

از اولین روز ماه محرم همه عزاخانه ها را به طرز خاصی با «علمها»، «تعزیه» و «ضریح» می آریند. مجلس عزا در امام باره های بزرگ برپا می شوند. در بخشهای بزرگ کشور، غیر مسلمانان نیز در ایام محرم و «اربعین» تعزیه می گیرند و «مجلس عزا» برپا می کنند. در هفتم محرم دسته های مهندی (ضریحی که نماد عروسی قاسم پسر امام حسن، و فاطمه کبری دخت امام حسین در کربلاست) به راه می افتند که پشت سر آنها «ذوالجناح» [نماد اسب با وفای امام حسین (ع)] و «علمها» حرکت می کنند. هر چند که دسته مهندی عملاً در هر کجای هند ظاهر می گردد، ولی در لکهنو این عمل دارای زمینه خاص تاریخی است. این دسته طویل که شامل «تبرکات» (خوردنی یا شربت که به اشخاصی که در مراسم مختلف محرم حضور دارند، پیشکش می شود) نیز هست، در قدیم توسط حکمرانان اوده رواج داده شد. قطارهای فیل و اسبهای حامل بیرق سیاه و دسته موزیک نظامی نیز بر شکوه و زیبایی دسته می افزایند. دسته ها در خیابانهای اصلی شهر به حرکت در می آیند و هزاران نفر بدان ملحق می شوند. در تمام طول شب دهم ماه محرم مجالس «مرثیه خوانی» و «نوحه خوانی» در امام باره ها برپاست، به عبارت دیگر نمایش [احیا] «شب زنده داری» است. در دهم محرم، تعزیه به صورت دسته های مختلف «ماتم» (سینه زنی) و نوحه خوانی در حالیکه «ذوالجناح» و «علمها» پیشاپیش آنها در حرکتند، به سوی کربلاهای محل به حرکت در می آیند. نزدیک عصر، تعزیه به این کربلاها می رسند و پیش از غروب آفتاب به خاک سپرده می شوند. پس از غروب آفتاب «مجلس شام غریبان» برپا می گردد...

ص: ۳

دهلی، پایتخت هند، نیز در مراسم ماه محرم از لکهنو عقب نمی ماند. در این شهر نیز از تاسوعا و عاشورا و اربعین و هفتم ربیع الأول دسته تعزیه به راه می افتد. این دسته از شهر خارج می شود و غروب به کربلای تاریخی «علی گنج» در دهلی می رسد. مراسم اربعین در «درگاه شاه مردان» و «علی گنج» نیز انجام می شود که در مجلس عزای آن جمع کثیری حضور به هم می رسانند و خطبای برجسته ادیان و مذاهب مختلف و علمای اعلام سخنرانی می کنند. پس از ختم «مجلس عزا» دسته ای از تعزیه، ذوالجناح و علمها از این درگاه آغاز می شود و در کربلای علی گنج پایان می یابد... مراسم محرم در شهرهای کلکته، بمبئی و مدرس نیز شایان ذکر است. در این شهرها نیز امام باره های کهن تاریخی وجود دارند که در آنها مجالس تعزیه برپا می شوند و دسته های تعزیه به بیرون به راه می افتد. حیدرآباد نیز شهری است از امام باره ها و عزاخانه ها، که به گونه دلپسند به ضریح و علم مزین می شود. در این شهر، تعزیه بی بی کاعلم در دسته ای بزرگ به راه می افتد. تعزیه حیدرآباد نیز معروف است. در حیدرآباد و بمبئی نیز ایرانیان کثیری مقیم هستند که بر شکوه و غنای تعزیه داری می افزایند. در شهرهای لکهنو، دهلی، مدرس، کلکته و سایر نقاط کشور، مراسم ماتم با برافروختن آتش انجام می شود. در نقاط مذکور برادران حنفی و صوفیان نیز با یادکرد شهیدان کربلا مراسم و مجالس عزا برپا می دارند، ولی مانند شیعیان به سینه زنی نمی پردازند... در گذشته بسیاری از مهاراجه های هند نیز در برگزاری تعزیه مشارکت فعال داشتند، مهارجه پیشین شهر گوالیور در تعزیه های رسمی شرکت می کرد و پا برهنه همراه دسته تعزیه راه می پیمود. از هندوهایی که مراسم ماه محرم را به طرزی با شکوه برپا می دارند می توان از برهنه های مُهیال (Mohyal) نام برد. اینان به اسامی خاصی چون دات و وید Vaid (اعقاب بهار ادوج، حکیم قدیم هند)، چهپیر (اعقاب بهاراگوا)، بالی (اعقاب پاراشارا)، موهان (اعقاب کشی پاپا)، لاو (اعقاب و اسیشها)، و بهیموال (اعقاب کوشال) ملقب هستند. آقای جعفری، سپس با اشاره به روایات تاریخی بومی - که حاکی از سوابق ارتباط مُهیالها با خاندان پیامبر و شرکت آنان در انتقام از قاتلان کربلاست - می نویسد:

طی ده روزی که من در خلال ماه محرم و اربعین، در جامو سخنرانیهایی در باره نمایش مصیبت کربلا کرده ام، همیشه می دیدم که زنان برهمایی فرقه دات، چادرها (یا ردهایی) را به یاد زینب وام کلثوم به تعزیه داران هدیه می کردند. برهمنان حسینی به همراه دسته تعزیه به سوی کربلاهای محلی حرکت می کردند و پس از اظهار ادب و احترام نسبت به شهیدان کربلا به خانه هایشان باز می گشتند.

شاعران پر آوازه هندو و سیک نظیر پاندیت امرنات ساحر (Pandit Amar- Nath Sahir) منشی ششچندر طالب (Munshi Sheshchander Talib) ملک الشعرا آفاق لکهنوی، گوپینات امام لکهنوی، سردار سینگه دو گال، پرفسور جواد و شیئت، راجکاوای ایندر جیت سینگه تولسی، پاندیت لهورام جوش، پاندیت عرش مالیسانی، کانوار موهیندر سینگه بدی سحر، استاد تالوک چند محروم و دیگران، شاهکارهایی رثایی و اشعاری در مصیبت کربلا سروده اند، و آثارشان بخش مهمی از ادبیات هند را تشکیل می دهد. من به جرئت می توانم بگویم که تعزیه داری در هند، تأثیر بس مهمی در پیدایش یکپارچگی ملی و حس هموعی داشته است... در هند، فرهنگ بومی (محلی) بر شکوه تعزیه داری افزوده است. ما از بعضی از ایده ها و مظاهر جدید هنری برای دلنشین تر ساختن تعزیه داری بهره گرفته ایم. خطبا و شعرای غیر مسلمان نیز تا حدود زیادی بر موفقیت کار ما افزوده اند و از عوامل مهم مراسم ما به شمار می آیند. گفتارها و اشعار ایشان نیز به صورت کتابی به چاپ رسیده اند. دولت هند نیز کتاب ارزشمندی به نام «محرم در دو شهر لکهنو و دهلی» منتشر کرده است که حاوی عکسهایی از دسته های تعزیه و امام باره های مهم این دو شهر، و شرح مفصل مراسم ایام محرم و اربعین می باشد (این کتاب اثری گروهی است که در ۱۹۶۶ در دهلی انتشار یافته و از تک نگاریهای (Census of India, ۱۹۴۱) می باشد. (۱))

ص: ۵

۱- . پتر. جی. چلکووسکی (گردآورنده): تعزیه؛ هنر بومی پیشرو ایران، ترجمه داود حاتمی (شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۶۷ ش) صص ۳۱۷-۳۲۳.

محتویات گزارش فوق، در نوشته محقق و مورخ انگلیسی معاصر - جان نورمن هالیستر - تأیید شده است. هالیستر، فصل یازدهم کتاب خویش «تشیع در هند» را به شرح عزاداری ایام محرم در نقاط مختلف هند اختصاص داده، و از شرکت سنیها و هندوها علاوه بر شیعیان در آن سخن گفته است.

گزیده ای از کلام وی را - با حذف مآخذ آن - می آوریم:

«از یکی از شیعیان علّت شرکت سنیها را در این مراسم جويا شدم، گفت:

سنیها قبول دارند که حسن(ع) و حسین(ع) نوه های پیامبر و عزیزان او بودند و هر دو شهید شدند. برخی نیز در این روزها دعایشان مستجاب می شود و بنابر این مایل به شرکت در این مراسم اند. به هر تقدیر، من احساس می کنم که باید تفسیری عمیقتر از اینها وجود داشته باشد؛ شاید قلب انسان تشنه تفاهیم و همدردی است و این چیزها را در اسلامی خشک و غیر قابل انعطاف که تنها بر قدرت قاهره تأکید دارد نمی توان یافت؛ آن نایافته بشر را باید در توسل و شفاعت و جنبه انسانی آن جست که تا اندازه ای خواسته بشر را در دیانت اسلام بر آورده می کند.

در سال ۱۳۵۳ ق/ ۱۹۳۴ م یکی از خاصه های مجالس محرم در دهلی این بود که سنی و هندو و شیعه با هم در آن شرکت می جستند.

شمار کثیری از سنیان در مراسم محرم شرکت می کنند و تعداد هندوها از آنها نیز افزونتر است، زیرا از نظر مذهب ایشان منعی برای شرکت آنان وجود ندارد. این مراسم و شرح وقایع کربلا، برای هندوان جاذبه دارد و ایشان را متأثر می کند.

ص: ۶

حتی بین کاستهای اصیل هندو (کایستا^(۱))، اگر والا، وراجپوت) مردان و زنان نذر می کنند که اگر صاحب فرزند پسر شوند، او را چند سال - معمولاً سه تا پنج و گاه تمام عمر - به عنوان «پیک» به چاکری عزاداران محرم بفرستند. در این روزهای آنها نمک و لحوم نمی خورند و از تجملات پرهیز می کنند. پیکها زنگهای کوچکی دور کمر خود می بندند و عمامه کوچک مخروطی شکل بر سر می نهند و در حالیکه دم گاوی با خود دارند به عنوان پیک بین اخادها رفت و آمد می کنند. گویند در دربنگا^(۲) واقع در شمال ایالت بیهار هند^(۳) بیشتر اسباب و لوازم مراسم محرم، از آن هندوهاست.

در بارودا چندین کاست هندو تعزیه را مقدس می شمارند و اعمال مختلفی برای برآورده شدن نذرهای خود به جای می آورند؛ از جمله از زیر تعزیه ها رد می شوند و یا در مسیر تعزیه ها خود را جلوی آن می افکنند.

یک خبرنگار روزنامه نیواستیتسمن، چاپ کلکته، در گزارشی از جنوب هند (احتمالاً دکن) می نویسد که تمام کاستهای هندو، بجز برهنها، علم را «پیر» خود می دانند و آن را وارد آیین مذهبی خود کرده اند. از جمله علم حضرت علی (ع) را «لال صاحب» می خوانند، و سه علم دیگر به عنوان سه سوار معروف است، از جمله وندی سوار (سوار نقره ای)، انکس سوار و تانگالور سوار. اصل این اسامی به تحقیق معلوم نیست؛ ولی هر سه این علمها را «چون الهه های دهکده محترم می شمارند».

ص: ۷

۱- کاست دبیران، نویسندگان، حسابدارن و غیره. کاست، به معنی طبقات اجتماعی است که جامعه سنتی هندو بر اساس آن استوار می باشد.

در این جا نیز به همان نذرهایی که باید در روزهای محرم ادا شود بر می خوریم. زنانی که می خواهند صاحب فرزند شوند، خود را جلوی علم به زمین می افکنند و سعی می کنند خود را به پره‌های طاووسی (که به صورت بادبزن روی علم قرار گرفته) بسایند تا حاجت آنها برآورده شود. کودکانی که در نتیجه این نذرها متولد می شوند به نامهای چون حسنه، حسینه، فقیره، فاطمه، بای، نچیاما و مانند آن خوانده می شوند؛ این کودکان در واقع «وقف پیرها» هستند و هر سال در روزهای محرم نذر والدین خود را ادا می کنند و در این اوقات آنها را فقیر می خوانند. یکی از اینها پسری بود به نام «سایلو» از کاست بافندگان، نیای او مبتلا به بیماری رماتیسم بود و برای «پیرها» نذر کرده بود که اگر بهبودی یابد در محرم سال آینده هدیه ای تقدیم کند. او به زودی شفا یافت، ولی نذر خود را نتوانست ادا کند. دیری نپایید که بیماری او عود کرد، ولی پس از اینکه دوباره تجدید عهد نمود، مرض بر طرف گردید. او در محرم سال بعد نذر خود را ادا کرد و از آن پس، هر سال یکی از اعضای خانواده او به عنوان «فقیر» در مراسم محرم خدمت می کند. یکی از سالها خانواده «سایلو» سه دیگ شیره و یک دیگ پلو برای این مراسم فراهم کردند؛ غذا را به عاشورا خانه بردند و پس از برگزاری مراسم پوجا [از مراسم خاص هندوها در ستایش مقدسات خود] آن را در برابر «پیرها» قرار دادند و دو ظرف شیره و نیمی از پلو را به متولیان مسلمانان دادند و باقی مانده را نیز بین هندوها تقسیم کردند.

روز عاشورا، دسته ای علمها را سر مخزن آب دهکده می برد. چوب علم «لال صاحب» را به تخت روانی متصل می نمایند و علمهای دیگر را پسرهای «فقیر» هندو حمل می کنند.

پنج مسلمان (همه سنی) که کل مسلمانان دو دهکده را تشکیل می دهند همراه دسته می روند و در پیشاپیش دسته طبالها (چمر) در حالیکه بهترین جامه های خود را به تن کرده اند حرکت می کنند. وقتی به مخزن آب می رسند علمها را عریان کرده چوب و علامتهای آنها را می شویند و سپس تمام این قطعات را تا سال بعد در جعبه ای محفوظ نگاه می دارند. همان دسته دوباره جعبه را به دهکده باز می گرداند و در عاشورا خانه به امانت می گذارد. هیچ شک نداریم که هندوها این «پیرها» را حرمت می نهند و آنها را عنوان جزئی از معتقدات مذهبی خود پذیرفته اند... در بارودا، بانی مراسم محرم هندویی به نام گیکوار است، و در گوالیور مهاراجه این ناحیه، که هندو است، پیشاپیش دسته ای که در محرم در پایتخت او به راه می افتد حرکت می کند. درباره منشأ این رسم در این شهر، داستانی را برای من نقل کرده اند:

حدود پنجاه سال پیش مهاراجه مزبور بیمار می شود و در حال بیماری امام حسین (ع) به خواب او می آید و به او می فرماید چنانچه مجلسی به نام او برگزار و خیرات و صدقاتی نثار کند شفا خواهد یافت. مهاراجه، روضه خوان این مجلس را نیز در خواب می بیند. به محض بهبودی در صدد یافتن این مرد بر می آید و سرانجام وی را در اقامتگاهش در بنارس می یابد. از آن زمان تاکنون این شخص، بایکی از اعضای خانواده او، برای ادای مأموریت خاص اداره این مراسم به خدمت حکومت گوالیور در آمده اند و در ازای انجام این وظیفه پاداش کریمانه ای نیز دریافت می دارند. حکمرانی که این سنت را آغاز کرد ظاهراً خود در میان دسته می آمد و تعزیه حمل می کرد، ولی می گویند مهاراجه فعلی به این اکتفا می نماید که بر اسب زیبایی سوار شود و در روز عاشورا پیشاپیش دسته حرکت کند. خزانه ایالت هزینه این مراسم را تأمین می کند» (۱).

ص: ۹

مشاهده صحنه های جانسوز عزاداری شیفتگان ابوالفضل (ع)، شخصیتی چون شاعره مشهور معاصر هندو - ساروجینی نایدو، معروف به بلبل هند - را سخت تحت تأثیر قرار داده و بر آن داشته است که در ضمن شعری چنین بگوید:

«شب شهادت، در زیر پیراهن سیاه و با پای برهنه و چشمان اشکبار، که باران اشک را به یاد واقعه ای جانسور فرو می ریزد، و دستهای به هم پیوسته که فشار اندوه آنها را به نوسان می آورد، نوای سینه های آغشته به خون با لحنی محزون بلند است و این کهن داستان مکرر و دردناک را بیان می دارد.

میردانت، به پاس این شب پُر آلم و اشک آور، با صدایی سرشار از اندوه می گویند و می خوانند: حسین...

ای حسین، چرا هزاران هزار دوستان تو این طور اشک می ریزند؟! ای مقدس والامقام، آیا به پاس فداکاری بی نظیر تو نیست؟!

تو پرچم زنده و پیمان عزیز دین بزرگ پیامبر را استوار داشتی و در مقابل دیدگان شگفت زده جهانیان، عشق عجیب خود را به خدا ثابت کردی» (۱).

از رئیس سابق کنگره ملی هند، پورشوتا ملاس توندن، نیز نقل شده است که می گوید:

«شهادت امام حسین از همان زمان که طفلی بیش نبودم در من تأثیر عمیق و حزن آوری می بخشید. من اهمیت برپا داشتن این خاطره بزرگ تاریخی را می دانم. این فداکاریهای عالی از قبیل شهادت امام حسین سطح فکر بشریت را ارتقا بخشیده و شایسته است که خاطره آن همیشه زنده بماند و یادآوری شود» (۲).

ص: ۱۰

۱- سید عبدالکریم هاشمی نژاد و سید حسن ابطیحی: سؤال شما، پاسخ ما (از نشریات کانون بحث و انتقاد دینی، کتابفروشی جعفری، مشهد، بی تا) ۶/۸۰-۸۱؛ دکتر رجبعلی مظلومی: رهبر آزادگان (کتابخانه بزرگ اسلامی، تهران، دی ۱۳۵۲ ش) ص ۶۹.

۲- سید عبدالکریم هاشمی نژاد و...: همان، ۶/۸۸.

جلوه‌هایی دیگر از شرکت گسترده هندوها و اهل سنت در مراسم عزاداری سیدالشهداء(ع)

به همدلی و همنوایی هندوان (و اهل سنت) با شیعیان در سوگواری بر حسین بن علی (ع) اشاره کردیم و اظهاراتی از محققین را در این باره آوردیم. اینک به گزارشهای دیگری در تأیید و توضیح بیشتر قضیه توجه کنید:

نویسنده محترم، جناب آقای سید صادق شفائی زاده، که آثار گوناگونی نظیر «قمر بنی هاشم(ع) پرچمدار عاشورا» دارند، طی مرقومه ای در تاریخ ۲۴ محرم الحرام ۱۴۱۷ ق خطاب به حقیر چنین آورده اند:

این جانب، محرم الحرام سال ۱۴۰۹ ق در هندوستان به سر برده و از نزدیک شاهد انواع عزاداری شیعیان، اهل سنت و حتی هندوها در سوگ سالار شهیدان (ع) بوده‌ام. پاره ای از آنچه را که در خاطرمان مانده برای استحضار شما ... بازگو می‌کنم.

عزاداری شیعیان: شیعیان هند، از دیرباز تاکنون، ایام محرم را به طور مفصل عزاداری می‌کنند و مجالس آنان نیز، غالباً، از شب اول ماه محرم آغاز شده و بدون انقطاع تا شب هشتم ربیع الأول، که به قولی شب شهادت حضرت امام حسن عسگری(ع) است، ادامه می‌یابد. شب هشتم ربیع الأول را «ختم عزاداری» می‌نامند.

شب پنجم محرم ۱۴۰۹، توفیق دست داد که در مکانی موسوم به «روضه شیهه نجف اشرف» واقع در شهر لکهنو، شخصاً شاهد انجام مراسم عزاداری «آگ پرماتم» (یعنی عزاداری داخل شدن در آتش) باشم. مراسم مزبور از این قرار است:

قبلاً- گودالی تقریباً به عمق ۲۰ سانتی متر، عرض ۱ متر و طول ۳ متر کنده و از عصر روز چهارم محرم در آن هیزم خوش سوخت (هیزم جنگلی) می‌ریزند و آتش می‌زنند تا خوب بسوزد و مشتعل شود. پس از نماز مغرب و عشا، عده ای غسل کرده و به سینه زنی می‌پردازند و با فریاد «یا حسین، یا حسین»، با گامهایی آرام و آهسته، پای برهنه داخل گودال آتش می‌شوند، و این در حالی است که هیزمهای مشتعل در گودال، همگی کاملاً سرخ شده و به صورت گُل آتش در آمده است و افزون بر آن، چندتن نیز اطراف گودال نشسته و آتش را باد می‌زنند تا به هنگام ورود عزاداران در آن، خاکستری روی گلهای آتش ننشسته باشد!

در میان عزادارانی که - به عنوان عزای سالار شهیدان و همدردی با اهل بیت داغدار وی (علیهما السلام) - داخل گودال آتش می شوند، افراد گوناگون با سنین مختلف، از کودکان ۷-۸ ساله گرفته تا پیر مردان ۶۰-۷۰ ساله به چشم می خورند، و جالب آن است که عزاداران مزبور با پای کاملاً برهنه و بدون کفش و جوراب، وارد آتش می شوند و طول تقریباً سه متر را آرام آرام بر روی گلهای بسیار داغ آتش می پیمایند ولی آتش هیچگونه صدمه ای به پایشان نمی زند! (تصویر آنان ضمیمه مقاله شده و درج گردد).

پس از پایان مراسم «آگ پَر ماتم»، جمع بسیاری از علاقمندان حسین(ع) در همان محوطه به سینه زنی و عزاداری می پردازند و در پی آن، مراسم جالب «گرفتاری» پیش می آید که تفصیل آن را در ادامه می خوانید.

از نظر قانونی (به علت اعمال نفوذ وهابیان) در شهر لکهنو عزاداری به صورت علنی و در ملاء عام ممنوع بوده و همه ساله از سوی دولت، رسماً اعلام می شود: «هر که در ملاء عام عزاداری کند، دستگیر خواهد شد».

شیعیان لکهنو، در برابر این اخطار، آمادگی خویش را برای دستگیر شدن اعلام کرده و آشکارا به عزاداری می پردازند. پلیس، با مشاهدهٔ این عمل، چند دستگاه خودرو جلوی درب «روضهٔ شبیه نجف اشرف» آورده و عزاداران را در حال سینه زنی و نوحه خوانی دستگیر و به داخل ماشینها می برد و با پاسگاه انتقال می دهد. شیعیان نیز هیچگونه تغییری در برنامهٔ خود نداده و در طول راه از «روضهٔ شبیه نجف» تا پاسگاه، به عزاداری و سینه زنی خویش ادامه می دهند! نیروهای انتظامی، آنان را حدوداً ۲۴ ساعت بازداشت کرده و سپس آزاد می کنند. این مراسم را شیعیان هند، «گرفتاری» (یعنی دستگیر شدن) می نامند و به آن افتخار می کنند: «سِرْ خُتَمِ می سلامت، شکند اگر سبویی!»

سر، که نه در راه عزیزان بود

بار گرانی است کشیدن به دوش!

در خور ذکر است که دولت هند نیز نسبتاً پخته و مدبرانه با قضیه برخورد می‌کند و فی‌المثل، در آن سال که من شاهد بودم، رئیس مأمورین را فردی شیعه قرار داده بودند که بالطبع، در تعدیل و تلطیف ماجرا مؤثر بود.

عزاداری هندوها و اهل سنت:

در محرم همان سال، روز هفتم محرم، به همراه تنی چند از دوستان، به روستای «بَهَوَا»، واقع در ۱۰۰ - ۱۵۰ کیلومتری لکهنو رفتیم. شب هشتم، به علت گرمای شدید و نبودن برق، میزبان تختی را کنار کوچه قرار داده و بنا شد شب را روی همان تخت بخوابیم. حدوداً ساعت یک نیمه شب بود که صدایی شبیه صدای «زنگوله» توجهم را به خود جلب کرد. از شخص میزبان پرسیدم: این چه صدایی است؟! گفت: صدای پیک است. گفتم: پیک دیگر چیست؟! گفت: پیک حضرت امام حسین (ع) که (طبق بعضی روایات تاریخی) عازم مدینه الرسول (ص) شد تا خبر شهادت جانسوز آن حضرت را برای دختر ایشان، حضرت فاطمه صغری (س)، ببرد.

موضوع جالبی بود. از میزبان خواستم که جریان مراسم پیک را مفصلاً برایم شرح دهد و او چنین توضیح داد:

در این حوالی، تا شعاع حدوداً بیست کیلومتری از هر طرف، زنان بسیاری بوده‌اند که بچه دار نشده و از دوا درمانهای مختلف نیز بهره‌ای نگرفته‌اند. لذا ملتجی به حضرت امام حسین (ع) شده و با آن حضرت عهد کرده‌اند که چنانچه به دعای خیر ایشان بچه دار شدند فرزندشان را «پیک» آن حضرت قرار دهند. پس از مدتی خدای متعال، به پاس حرمت سالار شهیدان (ع)، به آنها لطف فرموده و بچه دار شده‌اند، این کودکان، از زمانی که خود را می‌شناسند تا آخر عمر، همه ساله از شب هشتم محرم تا ظهر عاشورا از منزل خود خارج شده و در روستاهای اطراف به عزاداری می‌پردازند. نحوه عزاداری نیز به این صورت است که، لباس مخصوصی بر تن می‌کنند، چوبدستی و نیز خورجینمانندی همراه بر می‌دارند، و گروه گروه حرکت می‌کنند. ضمناً هر گروه، راهنمایی ویژه دارد که وی را «اُستاد» می‌نامند.

ص: ۱۳

در این منطقه، حسینیه‌ها و امام‌باره‌های متعددی وجود دارد. گروه‌های مزبور هر کدام به سمتی حرکت می‌کنند و در طول راه به حسینیه‌های متعددی بر می‌خورند. به هر حسینیه که می‌رسند، با حالت منظم و مرتبی می‌ایستند و استادشان برای آنها مرثیه خوانده و شمه‌ای از حکایات سوزناک عاشورا را بازگو می‌کند. در اثنای نوحه خوانی استاد، آنان به اتفاق بالحنی جانسوز و جگر خراش فریاد بر می‌آورند: «یا حسین، یا حسین».

تعداد این افراد، در آن تاریخ که این جانب مشاهده کردم (محرّم ۱۴۰۹ ق) به بیست هزار نفر رسیده بود.

در اینجا، چند نکته قابل توجه به ذهنم رسید، که عرض می‌کنم:

* از این تعداد ۲۰/۰۰۰ نفر، تقریباً ۷۰٪ آنان هندو، ۲۰٪ مسلمان غیر شیعه، و ۱۰٪ شیعه می‌باشند.

* استادها و راهنمایان این عده، تماماً بدون استثنا شیئی هستند؛ سنیهای که دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت سلام الله عليهم اجمعین بوده، به وقایع عاشورا کاملاً آگاهی دارند.

آنها تمام مصائب آل الله را از مقاتل معتبر حفظ کرده و برای دیگران بازگو می‌کنند (بنده با سه تن از استادها، شخصاً گفتگو کردم و آمار و ارقام فوق را، مستقیماً، از زبان خود آنان شنیده و نقل می‌کنم).

* در میان این افراد (پیک) کودکان حدوداً ۱۰ ساله تا مردانی حدوداً ۴۰ - ۵۰ ساله به چشم می‌خورد.

* در خور ذکر است که گذشته از عزاداری دستجات «پیک» مزبور، کراراً به دستجات سینه زنی (پنجاه نفره یا بیشتر) دیگری در همان منطقه یهوا برخوردیم که از شب هشتم تا ظهر عاشورا به مراسم عزاداری اشتغال داشتند و زمانی که از اهل محل یا آشنایان درباب هویت و مذهب آنان سؤال می‌کردم، گفته می‌شد که اینان، هندو مذهبند.

آقای شفائی زاده با تذکر این نکته که ، «روز عاشورا ، از معدود مناسبت‌های اسلامی است که در سراسر هند، تعطیل رسمی عمومی است» افزوده اند:

در لکهنو، یکی از شیعیان محترم ساکن در محله شیعه نشین «کشمیری محله» ، موسوم به سید ابوقمر زیدی، نقل می کرد: یک زن از طبقه به اصطلاح «نجسها» و «مطرودین» هند، هر ساله مبلغی از در آمد (بسیار اندک) خویش را کنار می گذاشت و پس انداز می کرد و روز عاشورا که فرا می رسید آن را، به عنوان نذر امام حسین (ع) ، به شیعیان می داد تا به مصرف غذا در مجالس عزای حسینی برسانند. خانم مزبور تصریح می کرد: ما می دانیم که چنانچه خود غذا بیزیم شما شیعیان از دست پخت ما نخواهید خورد، زیرا ما را نامسلمان و کافر می شناسید. به همین جهت پولش را به شما می دهیم که خود غذا بیزید و به عزاداری امام حسین (ع) بدهید.

سید ابوقمر زیدی توضیح می داد که: طبقه مطرودین در هند پایتترین طبقه هندو محسوب شده و مجبور به انجام شغل‌های پستی نظیر نظافت کردن توالت‌ها و... هستند. در آمد این طبقه، عموماً خیلی اندک است، به نحوی که در بسیاری از اوقات قدرت تهیه غذا را نداشته و فی المثل به نان و چای مختصری قناعت می کنند. با این حال، شدت علاقه و ارادت خانم مزبور به ساحت ابی عبدالله الحسین (ع) در حدی بود که در طول سال، از همین در آمد ناچیز خویش مبلغ قابل توجهی را کنار می گذاشت و روز عاشورا تقدیم عزاداران آن حضرت می نمود.

آقای شفائی زاده همچین آورده اند: به روستای دیگری به نام جوراس (واقع در ۴۰، ۵۰ کیلومتری لکهنو - منتها در سمتی دیگر) رفتم که در آن، تنها یک خانواده ۱۷ نفری شیعه (از سادات محترم و مشخص منطقه) وجود دارد و بقیه، نوعاً هندو بودند.

بزرگ آن خانواده، متمکنترین شخص روستا بود و برای اداره باغ و مزرعه خویش افراد متعددی از هندوها را استخدام کرده بود و به علت حسن سلوک با مردم، محبوبیت زیادی در میان روستائیان هندو مذهب داشت. وی اهتمام بسیاری به تعظیم شعائر مذهبی شیعه (همچون اذان گفتن با تصریح به شهادت ثالثه، و برگزاری مراسم عزاداری و...) از خود نشان می داد و در این راه، به انواع و انحاء گوناگون مورد مخالفت و مزاحمت وهابیهای منطقه قرار داشت. خاصه، دستجات عزاداری که در ایام محرم به راه می افکند، از هجوم و آزار وهابیها ایمن نبود. امّا جالب است بدانیم که در هنگام برگزاری مراسم عزا، جمعی از خود هندوها می آمدند و گرداگرد دسته عزاداری حرکت می کردند و از حملات و تعرضات وهابیها به صفوف عزاداران ممانعت می کردند!

از یکی از طلاب هندی مقیم قم، حجه الاسلام سید علی اختر زیدی، شنیدم که می گفت: عزاداری هندوها در ایام محرم اختصاص به شمال هند نداشته بلکه در سایر نقاط آن کشور نیز، هندوهای بسیاری در ایام عاشورا به عزاداری پرداخته و مجلس می گیرند و زن و مردشان در آن شرکت می کنند. منتها، در کلکته، زنان هندو در عزاداری شرکت فعالتر و چشمگیرتری دارند و حتی از خوردن شیر در روز عاشورا اجتناب کرده و بعضاً آن را بر زمین می ریزند و می گویند: چگونه شیر بنوشیم، در حالیکه علی اصغر امام حسین (ع) در چنین روزی در کربلا بی شیر بوده است (پایان نوشته آقای شفائی زاده).

در تأیید گفتار فوق، به گزارشهای دیگری از اظهار علاقه و ارادت هندوها و اهل سنت به ساحت سالار شهیدان(ع) توجه کنید:

۱. یکی از علما و دانشمندان بزرگ کشمیر، که سالها مقیم آن دیار بوده و اینک در ایران سکونت دارند و به جهاتی اجازه ذکر نام خویش در کتاب را ندادند، برای حقیر نقل کردند: زمانی که در کشمیر اقامت داشتم، از آنجا که فصل زمستان در آن منطقه بسیار سرد بود، خانه ای در مُمرا (از مضافات بمبئی، در جنوب هند) اجاره کرده و همراه خانواده در فصل سرما به آنجا می رفتم.

در ممرا که بودم، روزی یکی از شیعیان که با ما آشنا بود به منزل ما آمد و با رویی گشاده و مسرور، برایم تعریف کرد که یکی از مقامات بلند پایه شهر (رئیس کلاتری) که هندو مذهب است، سالهاست دلش بچه می خواهد ولی همسرش بچه دار نمی شود و هر چه هم به دکترها مراجعه کرده و داروهای مختلف مصرف نموده نتیجه ای نگرفته است. امروز، که سفره دلش را پیش من گشوده بود، به او گفتم:

- فلانی، تو با پای برهنه در «جلوس» (یعنی مراسم عزای امام حسین علیه السلام) شرکت کن، من تضمین می کنم که امام حسین (ع) حتماً به تو بچه می دهد.

و او هم پذیرفت که چنین کند (در هند، به حرکت با شکوه دستجات عزاداری سینه زن و زنجیر زن در ایام محرم، که گاه در پیشاپیش آنان اسبی نیز به عنوان «ذوالجناح» حرکت داده می شود، «جلوس» گفته می شود. پرشکوهترین مراسم جلوس، در روز عاشور را انجام می گیرد که از صبح تا عصر به طول می انجامد و از انبوه جمعیت شرکت کننده، در طول راه، توسط افراد خیر با آب و شربت و... پذیرایی به عمل می آید).

عالم مزبور گوید: من به او گفتم، امام حسین (ع) در درگاه الهی - از نظر ما شیعیان - مقامی بسیار والا داشته و ما معتقدیم که گره‌هایی بسیار مهمتر از این گونه امور، در دستگاه آفرینش به دست این بنده برگزیده و مقرب الهی گشوده می‌شود. اما در عین حال ممکن است خدای متعال و ائمه (علیهم‌السلام) برآورده شدن بعضی حاجات را (به جهاتی که ما از آنها بی‌اطلاعیم) مصلحت ندانند و خواسته این مرد هندو نیز از آن قبیل باشد. در نتیجه، این احتمال وجود دارد که حاجت وی برآورده نشود و آنگاه، اعتقاد او و دیگران به امام حسین (ع) سلب گردد. تو چطور به ضرس قاطع به او قول دادی که در صورت شرکت در مراسم عزای ابی‌عبدالله (ع)، حتماً و جزماً به مطلوب خود خواهد رسید؟!!

می‌گوید: به محض این که این حرف را زدم، فرد مزبور انقلاب حال عجیبی پیدا کرد، اشک چشمانش را فرا گرفت، نگاهی بسیار معنی‌دار به من کرد و با حالتی که خود مرا نیز شدیداً تحت تأثیر قرار داد گفت:

- امام حسینی که ما می‌شناسیم، نمی‌شود که ما شیعه‌اش باشیم و به کسی ضمانت بدهیم و او ضمانت ما را رد کند... نه، نه، شفا‌ی این مرد هندو را از خدا خواهد گرفت!

گفتار او با آن دل‌بری و چشم‌گریان و لحن سوزان، مرا سخت تکان داد و با مشاهده سوز و گداز عجیب او یقین کردم که، به عنایت سالار شهیدان (ع)، مشکل آن فرد هندو بر طرف خواهد شد. لذا رو به او کرده و گفتم:

- فلانی، نترس، من هم - اکنون، با حال خوشی که در تو می بینم - به تو تضمین قطعی می دهم که وعده ای که به این مرده داده ای حتماً محقق شده و او صاحب فرزند خواهد گشت.

بعد هم، در وقت مقبره، آن مرد هندو پای برهنه در مراسم عزای امام حسین (ع) شرکت جست و بزودی صاحب فرزند گردید.

عالم مزبور افزود: دکتر فاروق عبدالله (پسر شیخ عبدالله مشهور به «شیر کشمیر») با من دوستی و صمیمیت داشت. وی، که رئیس حزب «نیشنل کانفرانس» بود، در انتخابات کشمیر رأی آورد و مدتی نخست وزیر محبوب و مقتدر آن ایالت گردید (آن زمان، هنوز قیام اسلامی کشمیر شروع نشده بود و او - و پدرش - در میان طبقات مختلف مردم، از نفوذ و محبوبیت بسیار زیادی برخوردار بودند). باری، دکتر فاروق (که سنی، و حنفی مذهب بود) در زمان نخست وزیری خویش، یک روز عاشورا از صبح که جلوس در آوردند، خود شخصاً به حالت عزا پیشاپیش دستجات عزادار به راه افتاد و عنان «ذوالجناح» را در دست گرفت و تا عصر آن روز که مراسم پایان یافت، گرسنه و تشنه، به حالت اندوه و انکسار، این عمل را ادامه داد. ایشان به خود من می گفت: من هر چه دارم از امام حسین (ع) دارم و می افزود که: من تا زنده باشم در جلوس امام حسین (ع) شرکت خواهم کرد.

نیز گفتنی است که دستجات عزادار، گاه از ناحیه برخی گروههای وهابی مآب مورد حمله و هجوم واقع می شدند. دکتر فاروق عبدالله، خود در مراسم شرکت می کرد و همزمان، به نیروهای انتظامی نیز دستور می داد که کاملاً مراقب اوضاع بوده و از حملات احتمالی مخالفین به مردم عزادار جلوگیری کنند. خوب به خاطر دارم که روزی به من گفت: شرکت من (به عنوان نخست وزیر ایالت) در مراسم جلوس، گذشته از تأثیری که در تعظیم و ترویج این مراسم دارد، از وقوع فتنه و آشوب در شهر نیز جلوگیری می کند و مانع جرئت خرابکاران در حمله به صفوف مردم می گردد؛ و علت شرکت من هم - علاوه بر اظهار ارادت به امام حسین (ع) - همین امر است (پایان گفتار عالم مزبور).

۲. آقای حیدر آبادی (از ایرانی تبارانی که در هند متولد شده و بیش از ۲۵ سال در آن کشور زیسته است) نیز طی نوشته ای تحت عنوان «یک اعجاز بزرگ امام حسین (ع) در هندوستان» آورده است:

سحر و جادو در بین مردم هندوستان در حد قابل توجهی شایع است و مصیبت‌های ناگواری برای بعضی از مردم ایجاد می کند که اغلب علاج هم ندارد. منشأ این عمل غیر انسانی جریانات پلید و جهالت پیشه موجود در جامعه هند است. در حدود یکصد و بیست سال پیش در یکی از شهرهای کوچک هند در روز اربعین اعجازی بزرگ رخ می دهد که بعد از این رخداد، این محل تبدیل به یک زیارتگاه و شفاگاه می شود و به نام تپه حسین معروف می گردد.

اکثر زائرین تپه حسین، غیر مسلمانان هستند و جهت نجات یافتن از بیماریهای مختلف از جمله سحر و جادو به آنجا می آیند. هر هفته دهها بیمار در مقابل چشمان حیرت زده مردم و بستگان خود آشکارا شفا می گیرند و با خوشحالی و با چهره های بشاش آنجا را ترک می کنند. همه ساله در ایام اربعین امام حسین (ع) تجمّع بسیار عظیمی از پیروان هر دین و مذهب، با اخلاصی غیر قابل توصیف در این مکان انجام می گیرد و طی مراسمی فرشی از آتش مهیا می شود و قبل از همه یک هندو، علم امام حسین (ع) به دست، حسین حسین گویان با آرامی و خونسردی با پاهای کاملاً برهنه از روی آتش رد می شود.

هر سال شب اربعین، قبل از شروع مراسم عبور از روی آتش، مسئولین محلی و ایالتی سخنرانیهای کوتاهی ایراد می کنند. در سال ۱۳۷۱ [شمسی] که در این مکان توفیق حضور یافته بودم، در سخنرانی یکی از مسئولین ایالتی که هندو بوده است، جمله ای شنیدم که در کمال سادگی، معرفتی بسیار زیبا از خدا، امام حسین و کلمه فداکاری را بیانگر بوده است. وی گفت:

ص: ۲۰

«خالق هستی هر کس را که برای انسانیت فداکاری کند پاداش می دهد و به هر مقدار این فداکاری بزرگتر باشد پاداشی را که می دهد به همان اندازه بزرگتر است؛ و امام حسین (ع) بزرگترین فداکاری را برای انسانیت انجام داده است و لذا همه شاهد هستیم که چه قدری را خالق هستی به امام حسین (ع) عنایت کرده است و در این مکان می توانیم درس بگیریم که اگر برای انسانیت فداکاری انجام بدهیم توسط خالق هستی پاداش آن داده می شود»...

اماکن زیارتی مسلمانان، بهترین تجلیگاه مهر اسلام ناب محمدی (ص) نسبت به انسانها، و همچنین اخلاص، احترام و احساس هندوها نسبت به مقدسات اسلامی در هند می باشد.

۳. مرحوم حجه الاسلام و المسلمین حاج شیخ عباسعلی اسلامی، بنیانگذار جامعه تعلیمات اسلامی، در خاطرات خویش که اخیراً منتشر شده، سفر تحقیقی - تبلیغی خویش در اوایل دهه ۱۳۱۰ شمسی از ایران به هند و برمه را شرح داده است. وی در بخش مربوط به خاطرات ایام توقف در بمبئی می نویسد:

«ماه محرم فرار رسیده بود و هندوستان، بخصوص مراکز شیعه نشین آن خود را برای برگزاری مراسم سوگواری مهیا می کرد. البته قابل ذکر است که تشکیل مجالس سوگواری سرور شهیدان و برپایی مراسم عزاداری خامس آل عبا منحصر به شیعیان نیست، بلکه فرق مختلف اسلامی و حتی پیروان ادیان و مذاهب دیگر نیز خاطره شهادت حضرت سیدالشهداء (ع) را گرامی می دارند و در این مآتم عالمگیر سوگواری می کنند...

بدون تردید از مهمترین انگیزه‌های که ایشان را به این امر وادار می دارد (در حالیکه از نظر ایمان و اعتقاد، با تفکر شیعی کاملاً بیگانه اند) برکات بسیاری است که از رهگذر اقامه عزای سرور شهیدان، بدان دست یافته اند. من در اینجا یک نمونه از مشاهدات هندوها را در این ارتباط بازگو می کنم:

در ایام عاشورا دختری هندو به تماشای گروههای عزادار می آمد و زمانی که ایشان به رسم سوگواری به سینه خود می کوفتند، وی نیز به تقلید دست به سینه می کوفت. از قضا پس از مدتی، دختر به بیماری مبتلا گشت و بدرود حیات گفت. به شیوه هندویان بدن دختر را در آتش نهادند تا سوزانده شود. آتش سراسر پیکر دختر را سوزاند اما دست و سینه وی را نسوخت! و این حادثه عجیب جلوه هایی از شیفنگی و شیدایی خالصانه هندویان نسبت به ساحت مقدس حسینی را بیش از پیش ساخت. از یکی از اهل منبر شنیدم که می گفت:

سنت بر پایی سقاخانه به یاد تشنه کامی حضرت سید الشهداء(ع) از اختصاصات و ویژگیهای شیعیان است و به تقلید از ایشان، هندویان نیز در ایام عاشورا سقاخانه های متعددی پیا پی دارند. من روزی در خیابان می رفتم، تشنگی بر من غلبه کرد. در برابر سقاخانه ای توقف کردم تا آب بنوشم، ناگاه متوجه شدم که متصدی سقاخانه هندو مذهب است. لیوان آب را بر جای خود نهادم و حرکت کردم. هندو که علت حرکت مرا دریافته بود بالحنی آکنده از تأثر گفت: - آقا! چرا آب نمی نوشید؟ این آب متعلق به ما نیست، این آب به «حسین» تعلق دارد! «حسین» پیشوای ما نیست، امام و رهبر شماست!... این سخنان چنان انقلابی در روح من پیا کرد که بی اختیار ظرفی پر از آب کرده و نوشیدم. همچنین روز عاشورا، پس از اتمام مراسم سوگواری، در معیت یکی از تجار ایرانی به نام آقا حاج محمد حسن به تراموا سوار شدیم. ترن به میدان «علقه» رسید. اینجا مرکز تجمع تجار بود و گروهی از تجار ایرانی نیز حضور داشتند. پس از انجام معارفه و آشنایی با ایشان، سخن از عزاداری هندوها و پیروان دیگر ادیان در ایام عاشورا به میان آمد و آقای حاج محمد غضنفر، یکی از بازرگانان ایرانی، توجه ما را به گوشه ای از میدان جلب نمود که دیگهای متعدد غذا، به رسم ایران، به منظور اطعام مردم برپا بود. حاج محمد غضنفر می گفت: آقای اسلامی، این بساط، متعلق به تجار زردشتی ایرانی است و آنان هه ساله برای حضرت سید الشهداء(ع) خیرات می دهند! آنگاه افزود: البته ایشان عقیده دارند که حضرت اباعبدالله (ع) «داماد» ایرانیان است؛ چرا که دختر یزدگرد سوم، آخرین پادشاه سلسله ساسانی، را به همسری برگزید و این دختر افتخار مادری پیشوای چهارم، حضرت سید الساجدین(ع)، را یافت» (۱).

ص: ۲۲

۱- . طلایه دار فرهنگ اسلامی در عصر اختناق؛ خاطراتی از ... مرحوم حجه الاسلام و المسلمین حاج شیخ عباسعلی اسلامی(بنیاد بعثت، تهران ۱۳۷۴ ش) صص ۱۴۱-۱۴۴.

مرحوم اسلامی در ادامه سفر، از هند به برمه می رود و در محرم سال بعد، در بندر رانگون (پایتخت برمه) مجدداً شاهد هندوها در مراسم عزای حسینی (ع) می گردد. در این زمینه نیز، تحت عنوان «رانگون و عزاداری حسینی»، می نویسد:

«ایام محرم الحرام از راه رسیده بود و دوستان سرور شهیدان خود را برای تعظیم شعائر حسینی مهیا ساخته بودند. من پیش از این نیز برگزاری مراسم سوگواری شیعیان را در هند مشاهده کرده بودم و همچنین از ارادت پیروان ادیان و مذاهب دیگر نسبت به ساحت مقدس حضرت سید الشهداء (ع) آگاه بودم. اینک در «رانگون» نیز برنامه مشابهی برقرار بود. از روز هشتم محرم صندوقی بزرگ در حسینیه ایرانیان می نهادند و مردم نذرهای خود را درون آن می ریختند.

در این میان، هجوم زنان هندو قابل توجه بود. گفته شد که ایشان در طول سال به هر مشکلی که گرفتار شوند یا هر ابتلا و بیماری بر ایشان پیش آید، با حضرت امام حسین (ع) عهد می بندند که اگر از آن مشکل یا ابتلا رهایی یابند در ایام عاشورا هدیه ای به پیشگاه حضرتش تقدیم دارند!

رسم شیعیان در رانگون آن بود که در روز محرم، گروههای عزادار به خیابانها می آیند و به سوگواری می پردازند. ضمناً سبی را نیز، به منزلهٔ مرکب حضرت اباعبدالله، با خود همراه دارند و تابوتی را حمل می کنند. من و مرحوم آقای شهیدی در جمع مردم ایستاده بودیم و حرکت گروههای عزاداری را نظاره می کردیم. در این میان عده ای از کودکان با لباسهای الوان در زیر تابوت حرکت می کردند. من از آقای شهیدی سؤال کردم اینان کیستند؟ گفت:

- ایشان همه کودکان هندو هستند که به برکت حضرت سید الشهدا (ع) زاده شده اند؛ این امر در بین هندوها رایج است که هر گاه پدر و مادر فرزندی نیابند، نذر می کنند که اگر خداوند به ایشان فرزندی دهد همه ساله خود و فرزندانشان در مراسم سوگواری اباعبدالله (ع) شرکت جویند؛ اینک آمده اند تا به عهد و نذر خود عمل نمایند! همچنین در روز هفتم مرسوم است که زمینی را به طول دو متر، عرض حدوداً یک متر و عمق یک متر حفر می کنند و آن را از هیزم خشک، متراکم و انباشته می سازند. آنگاه آتش در هیزم می نهند. شدت حرارت آتش به حدی است که از شعاع بیست متری گودال کسی نمی تواند به آن نزدیک شود. من و مرحوم شهیدی نیز همراه گروهی بیشمار از مردم از فاصله دور نظاره گر مراسم بودیم. در این حال گروهی از جوانان شیعه در حالیکه همه غسل شهادت کرده بودند و همگان پیراهن سرخ بر تن و پرچمی سرخ در دست داشتند، با خاطره شهادت حضرت قاسم بن الحسن (ع) به سوی گودال افروخته آتش به حرکت آمدند. جوانان ابتدا «یا حسین» گویان گرداگرد گودال ایستادند و سپس به ترتیب درون آتش می رفتند و از سوی دیگر حفره بیرون می آمدند! این عمل آنقدر تکرار گردید تا شعله های آتش به تدریج فروکش کرد و از شدت حرارت آن کاسته شد. آنگاه جوانان محوطه را ترک گفتند و به سوی جمعیت بازگشتند، در حالیکه از مراسم حضرت سید الشهداء (ع) کمترین اثری از جراحت و یا سوختگی بر بدن ایشان نبود!

گفته می شد که در چندین سال قبل در مراسمی اینگونه، گروهی از اطبای خارجی حضور یافتند و زمانی که مراسم به پایان رسید درخواست کردند که بدن جوانان مذکور را معاینه کنند و بر این گمان بودند که ایشان حتماً بدن و بخصوص پای خود را به ماده ای آغشته کرده اند که آتش بر آن اثری ندارد، اما پس از معاینه اعتراف نمودند که کمترین نشانه ای از وجود ماده مخصوصی بر بدن یا پای آنان نیست و عمل یاد شده قطعاً خرق عادت است و به اعجاز شباهت دارد؛ آری:

با کوردل مگوئید اسرار عشق و مستی

بگذار تا بمیرد در عین خود پرستی

آن کس که حسین (ع) را نشناخته و عاشورا را ندانسته و تقرب سرور شهیدان را به پیشگاه الهی ادارک نکرده است، چگونه می تواند به رمز و راز سوگ حسینی پی ببرد؟ و چه سان می تواند منزلت سبط رسول و زاده بتول را نزد حضرت رب العالمین در یابد؟ بوعلی سینا در خصوص خداشناسی و معرفت نسبت به ذات پروردگار کلامی دارد وی می گوید:

«جَلَّ جَنَابُ الْحَقِّ مَنْ أَنْ يَكُونَ شِرْعَةً لِكُلِّ وَارِدٍ بَلْ لَا يَرُدُّ عَلَيْهِ إِلَّا وَاحِدٌ بَعْدَ وَاحِدٍ».

آستانه حضرت رب العزه شکوهمندتر از آن است که هر وارد شونده ای بتواند به آن در آید، آری چه نادرند آنان که توانسته اند به این بارگاه بار یابند!

این سخن به تمام معنای خویش نسبت به وجود مقدس امام (ع) مصداق دارد و چرا این چنین نباشد؟ مگر حضرتش مثل اعلا و مظهر عظمای خداوندی نمی باشد؟ کیست که یارای آن داشته باشد که ادعا نماید امام (ع) را شناخته است؟ از همین رو در زیارت شریف جامعه... خطاب به ائمه هدی (ع) می گوئیم:

«موالی لا أخصی ثنائکم ولا أبلغ من المدح کنهکم و من الوصف قدرکم».

سروران من! هرگز نتوانیم والایهائتان را به شمار آورم و نه به ژرفای مدحتتان رسم و نه آن که ارزشتان را به توصیف آورم!...»(۱)

نیز در بخش خاطرات ایام اقامت در ایالت مِدرَس هند(که مربوط به چندی بعد از آن تاریخ می شود) با اشاره به حاج میرزا خلیل شیرازی، تاجر خیر متدین و مَعْنُونِ مدرس، تحت عنوان «عباسیه و ذکر علی!» می نویسد:

آقا حاج میرزا خلیل همواره اهتمام بر آن داشت که گره گشای مشکلات عامیة مردم محروم باشد و از تمکن مالی که خداوند به وی عطا فرموده در این راه بهره ببرد و این حسن توفیق وی بود. نامبرده اخیراً اقدام کرده بود تا برای تازه واردین به مدارس اقامتگاهی بنا نماید به یمن وجود مقدس حضرت باب الحوائج عباس بن علی (ع) آن را «عباسیه» نام گذارد. روزی در معیت ایشان و آقای مولوی محمد مهدی برای بازدید عباسیه رفتیم. کارگران که عموماً هندو به نظر می رسیدند هنگام جابجایی قطعات بزرگ آهن یکصد می گفتند: علی علی، علی علی، علی علی، ... از آقای مولی محمد مهدی سؤال کردم: اینان شیعه اند یا غیر شیعه؟ گفت: نه، شیعه نیستند، هندویند. پرسیدم: در زبان هندو «علی علی...» چه معنی می دهد؟! گفت: مقصود نام مقدس امیر مؤمنان علی بن ابیطالب (ع) است. سپس افزود: در سراسر هند عموم مردم اعم از مسلمانان، هندو، نصرانی و یهودی در هر امر دشواری همواره از حضرت امیر المؤمنین علیه الصلاه و السلام استمداد می جویند، مثلاً پهلوان در میدان مسابقه هنگام مواجهه با حریف به صدای بلند فریاد می کشد و نام مقدس «علی» را بر زبان می راند، یا در هنگام جنگ آنگاه که سپاه آماده یورش به دشمن می شود، فرمانده لشکر فریاد می زند که «نعره حیدری»، سپس لشکریان یکصد می گویند: یا علی... و حمله آغاز می شود! (۲)

ص: ۲۶

۱- همان: صص ۲۰۸-۲۱۰.

۲- همان: ص ۲۸۸. گفتار فوق یادآور سخن ویل دورانت - مورخ پر اطلاع و نامدار امریکایی - درباره مردم هند است که می نویسد: «اگر هند، مستقیماً از شهد حکومت پیشوایان معصوم اسلام - نظیر مولای متقیان علی (ع) - بهره ور شده بود، بی تردید تعداد بسیار بیشتری از مردم این سرزمین دل و جان خویش را در زلال چشمه توحید اسلامی شستشو می دادند» (رک: ویل دورانت: تاریخ تمدن (مشرق زمین؛ گاهواره تمدن)، ترجمه احمد آرام و... (چاپ دوم، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران ۱۳۶۷ ش، ص ۶۹۳).

از شرکت گسترده هندوها در مراسم عزاداری سالار شهیدان(ع) (و حتی به میان آتش رفتن آنان) حکایت‌های و گزارش‌های مکتوب و شفاهی دیگری وجود دارد که ضیق مجال، رخصت درج آنها را نمی‌دهد و برای اهل نظر، همین مقدار که نقل شد وافی به مقصود است. (۱)

آری، در عصر ما که قرن‌ها از «حماسه عاشورا» می‌گذرد، دهم محرم هر سال در هند و پاکستان هندوهای بسیاری را می‌بینیم که در عزای امام حسین (ع) شرکت می‌جویند و حتی بعضاً به سینه می‌زنند و یا در آتش می‌روند؛ و این در حالی است که تنها نام و یادی از آن حضرت شنیده‌اند. این گونه کسان، اگر شهید دیدار با حسین را می‌چشیدند و خلق خوش و کریمانه اش را از نزدیک می‌دیدند، چه می‌کردند؟!

ص: ۲۷

۱- در باب عزاداری هندوها و اهل سنت در شبه قاره، همچنین ر. ک به آثار زیر: * مجتبی کرمی: نگاهی به تاریخ حیدرآباد دکن، همان، صص ۸۵-۸۹. * آقا احمد بن محمد علی بهبانی: مرآت الأحوال جهان نما، تحقیق مؤسسه علامه مجدد وحید بهبانی (انتشارات انصاریان، قم، تیر ۱۳۷۳ ش) ۱/۵۲۳-۵۲۵. * سید عبداللطیف شوشتری: تحفه العالم و ذیل التحفه؛ سفرنامه و خاطرات میر عبداللطیف خان شوشتری، به اهتمام صمد موحد (کتابخانه طهموری، تهران ۱۳۶۳ ش) ص ۴۳۵. * ملا- آقا در بندی: اسرار الشهاده (تهران ۱۲۶۴ ق) ص ۳۴ و ۶۴. * سید صالح شهرستانی: تاریخچه عزاداری حسینی از زمان آدم(ع) تا زمان ما در تمام کشورهای جهان (انتشارات حسینیة عماد زاده، قم، بی تا، تاریخ پایان نگارش: رجب ۱۴۰۳ ق) صص ۳۳۳-۳۶۰. * سید محمد مهدی مرتضوی لنگرودی: ارمغان هند و پاک، همان، صص ۵۱-۵۲ و ۱۴۳.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری
۴. صرفاً ارائه محتوای علمی
۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی
۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ...
۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...
۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نمایم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبادی - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

